

زورگویی‌های سازمان تامین اجتماعی را در هم بشکنیم

حشمت محسنی

بیش از ۶ میلیون نفر هستند. به علاوه بالغ بر ۲۶ میلیون نفر یعنی ۴۰ درصد جمعیت کشور تحت پوشش این سازمان قرار دارند. بنا به اعتراف خود سازمان تامین اجتماعی ۹۱ درصد درآمد این نهاد از طریق حق بیمه کارگران تامین می‌شود. آیا برای مقابله با یک هیئت مدیره منصوب دولت، به میدان آمدن این نیروی میلیونی با این سرمایه‌ی هنگفت کافی نیست؟ اگر کل بیمه شده‌گان تامین اجتماعی، مسئله کارگران قراردادی را مسئله خود بدانند و با اتحاد و یک‌پارچگی علیه زورگویی این نهاد اقدام کنند، هیئت مدیره تامین اجتماعی نزد کارگران عددی محسوب نمی‌شود. برای وارد آوردن فشار به سازمان تامین اجتماعی و مقابله با زورگویی آن و هم چنین برای سازمان‌دهی حمایت از کارگران بیکار: نهادهای بازرسی برای حساب‌رسی از کل سرمایه‌ها و اموال خود در سازمان را شکل دهید! برای برقراری کنترل کارگران بر سازمان تامین اجتماعی و استقلال این سازمان از دولت تلاش کنید! مسئله کارگران قراردادی تنها مسئله آن‌ها نیست، مسئله کل کارگران کشور است. تعرض به حقوق کارگران قراردادی در این‌جا متوقف نمی‌شود. فردا نوبت شماست. اتحاد میان خود را پاس دارید و از حقوق کارگران قراردادی فعالانه حمایت کنید!

آن روی سکه نظم و قانون بورژوازی

ارژنگ بامشاد

در صفحه ۲

کارگران و زحمت‌کشان

در صفحه ۴

فراخوان برای شرکت در اگسیون سراسری

در صفحه ۳

زورگویی‌های سازمان تامین اجتماعی علیه کارگران یکی دو تا نیست. به هر گوشه از رابطه سازمان تامین اجتماعی با کارگران نگاه کنیم، جز بی‌حقی، جز اجحاف و قلندری چیزی مشاهده نمی‌کنیم. مخالفت سازمان تامین اجتماعی با بازنشستگی پیش از موعد در کارهای سخت و زیان‌آور، واگذاری خودسرانه بیمارستان‌های سازمان تامین اجتماعی به وزارت بهداشت، حذف بخش قابل توجهی از اقلام دارویی از مصرف کارگران، از جمله اقدامات ضدکارگری این سازمان محسوب می‌شود. آخرین اقدام ضدکارگری این سازمان، صدور بخش‌نامه‌ای است علیه کارگران قراردادی و فصلی. در اردیبهشت‌ماه امسال بخش‌نامه‌ای از طرف این نهاد صادر شده است که مفاد آن چنین است: «چنانچه کارگران فصلی شاغل در کارگاه‌ها و کارکنان قراردادی کارگاه‌ها و یا شاغل در پروژه‌ها و پیمان‌کاری‌ها در پایان فصل کار، پایان قرارداد، اتمام پیمان و پروژه کار با مدت معین، بیکار شوند... استحقاق مقرری بیمه بیکاری را نخواهند داشت.»

این اقدام سازمان تامین اجتماعی موجی از اعتراض در میان کارگران دامن زد. سازمان بازرسی کل کشور اعلام کرده است که از ۴ حوزه شکایات واصله به این نهاد یکی مربوط به سازمان تامین اجتماعی بوده است. همین اعتراضات به سهم خود باعث شده که سازمان بازرسی کل کشور طی بخش‌نامه‌ای قطع مقرری بیمه بیکاری کارگران را «غیرقانونی» اعلام کند. اما نه اعتراضات کارگران، نه غیرقانونی قلمداد کردن بخشنامه تامین اجتماعی توسط سازمان بازرسی کل کشور، تاثیری بر زورگویی‌های این نهاد بر جای نگذاشته است. این نهاد با این استدلال که پرداخت بیمه بیکاری تعادل بین «منابع و مصارف صندوق بیمه بیکاری» را به هم می‌زند تاکنون از تامین این مطالبه کارگران ظفره رفته و بدان پاسخ منفی داده است. به نظر می‌رسد جدال تاکنونی کارگران قراردادی با سازمان تامین اجتماعی دارد به بن‌بست می‌رسد. نه اعتراضات کارگران قراردادی، نه شکایات قانونی، نه حتی اعتراض سازمان بازرسی کل کشور، نتوانسته است قلندری این سازمان را در هم بشکند. آیا راهی برای مقابله با سازمان تامین اجتماعی وجود دارد؟ پاسخ به این سؤال قطعاً منفی نیست. به بن‌بست رسیدن مبارزه تاکنونی کارگران قراردادی به معنای به بن‌بست رسیدن مبارزه نیست، بلکه به منزله کارآ نبودن شیوه‌های تاکنونی مبارزه است.

برای سازمان‌دهی یک مبارزه مؤثر و کارآ چه باید کرد؟ می‌دانیم بیمه‌شدگان سازمان تامین اجتماعی

قطعنامه پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان در باره انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی

پلنوم گسترده کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) اعلام می‌کند:

رأی اعتراضی مردم در ششمین دور انتخابات مجلس شورای اسلامی، می‌تواند تلاش ائتلاف دستگاه ولایت و هاشمی‌رفسنجانی را برای کنترل این مجلس، در هم بشکند. اما این اقدام برای آن‌که نقش شتاب‌دهنده‌ای در مبارزات عمومی مردم داشته باشد، باید:

- ۱- ضرورت سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری یک نظام مبتنی بر دموکراسی و انتخاب آزاد مردم را هر چه جسورانه‌تر به پیش کشد؛
- ۲- از هر نوع خوش‌بینی و امید به جناح‌ها و گرایش‌های مختلف حکومتی که بی‌گمان همه‌شان در دوره‌های مختلف در جنایات و تبه‌کاری‌های این رژیم دست داشته‌اند و به انحاء مختلف برای حفظ آن تلاش می‌کنند، فاصله بگیرد؛
- ۳- خصلت کاملاً ارتجاعی و ضددموکراتیک این انتخابات را که در آن حق انتخاب مردم لگدمال شده و نه تنها جریان‌های دموکراتیک و مخالف حکومت، بلکه بخشی از جریان‌های درونی حکومت نیز کنار زده شده‌اند، به انحاء مختلف مورد اعتراض قرار بدهد؛
- ۴- مسلوب‌الاجتبار بودن نهادهای انتخاباتی و از جمله مجلس شورای اسلامی را در مقابل دستگاه ولایت، پیش از پیش برجسته کند و مبارزه علیه ولایت فقیه را گسترش دهد؛
- ۵- در مقابل سایر اشکال مبارزات مردم، مخصوصاً اقدامات مستقیم توده‌ای آن‌ها و مبارزه‌شان برای ایجاد تشکل‌های مستقل - که در تعیین سرنوشت جنبش آزادی‌خواهانه نقش تعیین‌کننده‌ای دارند - قرار داده نشود؛
- ۶- مبارزه پی‌گیر و جاری مردم برای مطالبات پایه‌ای‌شان نظیر جدائی دین از دولت؛ حق حاکمیت مردم؛ حق مردم برای تعیین سرنوشت خود؛ آزادی‌های بی‌قیدوشرط سیاسی؛ حقوق شهروندی؛ حقوق دموکراتیک ملیت‌ها و اقلیت‌های مذهبی؛ لغو آپارتاید و تبعیضات جنسی؛ برابری اجتماعی؛ معرفی و مجازات همه آمران قتل‌های سیاسی ۲۰ سال گذشته؛ لغو مجازات اعدام و غیره را که تنها از طریق سرنگون رژیم جمهوری اسلامی دست یافتنی‌اند، یرتوان‌تر و هموارتر سازد.

آن روی سکه نظم و قانون بورژوائی

ارژنگ بامشاد

عنوان صاحبان قدرت اعمال کنند و آزادی سیاسی شان و حقوق دموکراتیک‌شان به بازی گرفته می‌شود؟ این امر از آن‌جا ناشی می‌شود که برابری سیاسی و آزادی با برابری اقتصادی تکمیل نمی‌شود و امکانات اقتصادی و ثروت و سرمایه در دست یک اقلیت کوچک متمرکز است. و تا این نابرابری خیره‌کننده اقتصادی پابرجاست، این وضعیت نیز ادامه خواهد داشت.

چنین وضعیتی امروز بیش از پیش این حقیقت را مطرح می‌سازد که شکل دادن به یک دموکراسی واقعی در شرایطی امکان‌پذیر خواهد بود که از یک سو بتوان بر استقلال رسانه‌های همگانی و مطبوعات تاکید کرد و آن‌ها را از زیر کنترل دولت‌ها و صاحبان سرمایه خارج ساخت و از دیگر سو با اعمال مالکیت اجتماعی بر ابزار تولید و بنگاه‌های کلیدی اقتصاد، راه را بر قدرتی سرمایه بست و قدرت آن‌را در هم شکست. زیرا تا زمانی که سرمایه نظم کشورها و سمت و سوی جهان را تنظیم می‌کند و ابزارهای خود را برای اعمال این "نظم و قانون" بوجود می‌آورد و با شیوه‌های غیردموکراتیک و پنهانی قدرت خود را حفظ و گسترش می‌دهد، نمی‌توان از وجود دموکراسی واقعی سخنی به میان آورد. اما این امر نباید این تصور را پیش آورد که می‌توان و یا باید از دموکراسی موجود بورژوائی که زیر فشار مبارزات کارگران و زحمت‌کشان و آزادی‌خواهان ایجاد شده و از دستاوردهای تانکونی آن‌ها محسوب می‌شود، چشم پوشید. حتی در شرایط کنونی نیز بسیاری از نیروهای آزادی‌خواه و رسانه‌های مستقل و یا نیمه مستقل، به درستی با اتکا بر همین امکانات دموکراسی بورژوائی، راه مهار قدرت بی‌مهار سرمایه را هموار می‌سازند. این راهی است که باید با قدرت آن‌را پیسود و از امکانات آن برای آگاهی مردم و قدرتمندتر کردن جنبش‌های‌شان استفاده کرد تا بتوان اهرم‌های قدرت سرمایه را در هم شکست.

تمامی قواعد بازی دموکراسی را زیر پا می‌گذارد. صاحبان صنعت و سرمایه از دو طریق اهداف خود را دنبال می‌کنند. از یک سو با چنگ‌اندازی بر رسانه‌های همگانی و تمامی ابزارهای تبلیغاتی که در ساختن افکار عمومی نقش مؤثری دارند و از دیگر سو با خریدن سیاست‌مداران در قدرت. برای نمونه بخش اعظم کانال‌های تلویزیون‌های خصوصی در آلمان به دو خانواده ثروتمند تعلق دارد. این دو خانواده علاوه بر مالکیت بر بیش از ۱۰ شبکه‌ی تلویزیونی، بر انتشارات کتب و روزنامه‌های این کشور نیز تسلط چشم‌گیری دارند. این دو خانواده‌ی ثروت‌مند از نزدیک‌ترین دوستان هلموت کهل صدراعظم پیشین آلمان هستند. روابط نزدیک این خانواده‌های ثروتمند، با سران حزب شدت راست‌گرای سوسیال‌مسیحی در ایالت بایرن نیز غیر قابل چشم‌پوشی است. روشن است که تسلط بر رسانه‌ها بعنوان چهارمین قوه پس از قوای مقننه، قضائیه و مجریه، راه را برای اعمال سیاست‌های مدنظر بخوبی هموار می‌سازد. نمونه‌ی دیگر این امر را در انتخابات پارلمانی روسیه در ۱۹ دسامبر ۱۹۹۹ دیدیم. در آن‌جا نیز بورژوازی نوپای روس و مافیای قدرتمند این کشور با چنگ‌اندازی بر رسانه‌های همگانی، توانستند، یک حزب تازه تاسیس که هنوز سه ماه از "شکل‌گیری" اش نگذشته بود را به مردم معرفی کنند تا در چشم آن‌ها همچون یک نیروی "نجات‌بخش" جلوه‌کند که به دومین قدرت در پارلمان این کشور تبدیل گردد.

اما تسلط بر رسانه‌های همگانی، تنها ابزار پیش‌برد اهداف سودجویانه سرمایه‌مالی و صاحبان صنایع در این کشورها نیست. خریدن سیاست‌مداران و تطمیع آن‌ها نیز شکل دیگر اعمال قدرت و پیش‌برد سیاست است. تازه‌ترین نمونه‌ی این شیوه، این روزها در اخبار رسوائی‌های حزب دموکرات مسیحی آلمان دیده می‌شود. پیش از این نیز نمونه‌هایی از این دست را در ایتالیا بخوبی دیده‌ایم. زمانی که اسکارلا فونتنن رهبر پیشین حزب سوسیال دموکرات آلمان زیر فشار سرمایه‌مالی و رسانه‌های وابسته به آن، مجبور شد پست رهبری حزب را رها کند و جا را برای گره‌دشردر هموار سازد، هنوز نقش صاحبان سرمایه در روی کار آوردن چهره‌های مطلوب خود، این چنین آشکار نشده بود. هر چند همان زمان نیز همه می‌دانستند که صدراعظم جدید آلمان یکی از مدافعین صنایع اتوموبیل‌سازی این کشور است و با بسیاری از طرح‌های رهبر حزب سوسیال دموکرات و وزیر مالی‌ه‌ی کابینه‌ی خود مخالف بود، زیرا آن سیاست‌ها را به نفع صاحبان سرمایه و صنعت نمی‌دانست. اما امروز که اخبار رسوائی‌ها و بده‌بستان‌های هنگفت، مدام افشاء می‌شود، این ارتباط فاسد کننده نیز بیش از پیش به جلوی صحنه‌ی سیاست و افکار عمومی کشیده می‌شود.

اما چرا علیرغم وجود دموکراسی و نهادهای دموکراتیک، باز مردم نمی‌توانند نقش خود را به

رسوائی شماره‌های حساب مخفی حزب دموکرات مسیحی آلمان و شبکه‌ی گسترده‌ای که توسط رهبر پیشین حزب و صدراعظم پیشین آلمان سازمان داده شده بود، پرده از سیستم نمونه‌ی "نظم و قانون" در اروپا برداشته است. هلموت کهل با پول‌های کلان که به اصطلاح از منبع ناروشتی تامین می‌شدند، ارگان‌ها و شخصیت‌های حزبی و انتخابات گوناگون ایالتی و پارلمانی را تغذیه می‌کرد و به این ترتیب پایه‌های قدرت خود و حزب‌اش را شکل می‌داد. تاکنون هر زمان که رسوائی‌های مالی در ایتالیا، فرانسه، بلژیک و دیگر کشورها افشاء می‌شد، به نمونه‌ی آلمان بعنوان الگوی درست‌کاری سیاست‌مداران و دموکراسی قابل اتکا اشاره می‌شد. اما با افشای این رشوه‌خواری، فرار مالیاتی و استفاده از پول قاچاق، طشت رسوائی این الگوی نمونه نیز از بام افتاده است، و ماهیت نظام دموکراسی بورژوائی واقعیت خود را بخوبی و بدون بزرگ نشان است. ابعاد این رسوائی آن‌چنان بالا گرفته است که حتی سیاست‌مداران مخالف حزب دموکرات مسیحی و رقبای هلموت کهل از باد زدن به موضوع هراسان شده و نگران آن هستند که مردم بیش از پیش از کل سیستم حکومتی کنونی روی گردان شوند. این امر بویژه با رسوائی‌های جدید رهبران حزب سوسیال دموکرات آلمان که مسافرت‌های شخصی و تعطیلات‌شان را با امکانات بانک‌ها و موسسات بزرگ مالی و صنعتی انجام می‌دادند، بیشتر نمایان شده است.

گسترش ابعاد رسوائی و روشن شدن در هم‌تنیدگی منافع احزاب بزرگ و صاحبان سرمایه‌مالی و صنایع، بیش از هر چیز در میان بخش شرقی مردم آلمان با حساسیت دنبال می‌شود. آن‌ها که ده سال پیش برای رهایی از سیستم توتالیتر حکومتی به دامن دموکراسی بورژوائی پناه آورده بودند، در ابتدا به این باور بودند که می‌توانند تامین اجتماعی موجود در آن سیستم حکومتی را با آزادی و دموکراسی تلفیق کنند و به آزادی دیرینه‌شان دست یابند. اما خیلی زود متوجه شدند که باید تامین اجتماعی و امکانات یک زندگی برابر، هر چند غیرمرفه را در برابر دموکراسی بزرگ شده قربانی کنند. از آن پس به این دل خوش بودند که حداقل آزادی بیان را بدست آورده‌اند؛ و می‌توانند آزادانه میان احزاب و سیاست‌مداران انتخاب کنند. اما اکنون با چشمان حیرت‌زده می‌بینند که آن‌چه بعنوان دموکراسی بورژوائی و حق رأی آزاد و مخفی به آن‌ها عرضه شده، پوششی است برای قدرتی صاحبان سرمایه‌مالی. حوادث اخیر در آلمان، یعنی الگوی نمونه‌ی "نظم و قانون" در اروپا، این واقعیت را به خوبی نشان می‌دهد که چگونه سرمایه‌مالی در این کشور و دیگر کشورهای دموکراسی بورژوائی، بر حکومت‌ها تاثیر می‌گذارد، افکار عمومی را می‌سازد و برای حفظ منافع خود،

لیست کمک‌های مالی به رادیو	
م-ج	۱۰۰ دلار کانادا
م-اردین	۲۰۰ پوند
ق-اردین	۲۰ پوند
ص-مستانه	۳۳۰ پوند
ع-بلوچ	۱۰۰ پوند
حسن اردین	۱۳۰ مارک
علی رضا	۵۰ مارک
علی رضا کمک به تک‌برگی	۵۰ مارک

فراخوان برای شرکت در اکسیون سراسری برای نجات جان زندانیان سیاسی و در همبستگی با مبارزات مردم ایران

رژیم جمهوری اسلامی به سیاست سرکوب، زندان و اعدام مخالفان، دگراندیشان و آزادی خواهان هم چنان ادامه می دهد. حکم اعدام اکبرمحمدی و حبس های طویل المدت برای تعداد کثیری از دانشجویان مبارز در تهران و تبریز و دیگر شهرها، آخرین مانور سرکوب گرانه رژیم ضدانسانی حاکم است. رژیم اسلامی در آستانه انتخابات مجلس شورای اسلامی در سیاست ترور و ایجاد رعب و وحشت گستاخ تر شده است. برای درهم شکستن روحیه و همبستگی دانشجویان و دیگر زندانیان سیاسی در اوین، آن ها را به بندهای زندانیان عادی، منتقل کرده است. اما دانشجویان و دیگر زندانیان سیاسی دست به مقاومت زده و با دست زدن به یک اعتصاب غذای نامحدود، نه تنها به این اقدام سرکوب گرانه رژیم پاسخ داده اند، بلکه خواهان محاکمه مسببین حادثه کوی دانشگاه، حمایت از زندانیان سیاسی در تبریز و آزادی همه زندانیان سیاسی شده اند. این اقدام مبارزاتی دانشجویان در شرایطی عملی شده است که در دو هفته ی اخیر مردم زحمت کش چهاردانه اسلام شهر و هفتگل رامهرمز و مردم تبریز برای رسیدن به خواست های خود دست به تظاهرات گسترده زده اند و با سرکوب مزدوران رژیم روبرو شده اند و تعدادی از جوانان و مردم معترض دستگیر شده و روانه زندان گشته اند؛ کارگران بسیاری از کارخانه های مناطق گوناگون کشور برای تحقق خواست های اولیه شان از جمله دریافت به موقع حقوق معوقه ی خود که ماه ها پرداخت نشده است، به راه بندان و دیگر اشکال مبارزاتی روی آورده اند؛ دانشجویان دانشگاه های مختلف حرکت های اعتراضی خود را از سرگرفته اند و مردم تحت ستم خلق های ساکن کشور و بویژه مردم کردستان برای رفع ستم ملی به انواع و اقسام شیوه ها، مبارزه می کنند.

از این رو ما

برای لغو حکم اعدام اکبرمحمدی؛ و کلیه احکام صادره شده علیه دانشجویان دستگیر شده؛
برای دفاع از جان زندانیان سیاسی؛ و وارد آوردن فشار همه جانبه بر رژیم اسلامی برای آزادی همه زندانیان سیاسی و عقیدتی و بویژه دانشجویان زندانی؛
برای پافشاری بر خواست اعزام یک هیئت بین المللی از طرف سازمان عفو بین الملل و دیگر سازمان های مدافع حقوق بشر برای بازدید از زندان های ایران؛

برای حمایت از خواست برپائی یک دادگاه بین المللی برای رسیدگی به جنایات رهبران جمهوری اسلامی به جرم جنایت علیه بشریت و دعوت از همه مدافعان حقوق بشر در سراسر جهان برای حمایت از کارزار تدارک چنین محکمه ای؛
برای حمایت از خواست اعزام یک هیئت بین المللی برای تحقیق در باره قتل های زنجیره ای و ده ها قتل و ترور دیگر که در دوران بیست ساله حکومت اسلامی انجام گرفته است؛

برای حمایت از جنبش آزادی خواهانه، حق طلبانه و دمکراتیک کارگران، زحمت کشان، دانشجویان، زنان، جوانان و خلق های تحت ستم؛
از تاریخ شنبه ۵ فوریه ۲۰۰۰ تا ۱۶ بهمن ماه ۷۸ تا روز یکشنبه ۳ فوریه ۲۰۰۰ تا ۲۳ بهمن ماه ۷۸ به یک سلسله اکسیون های اعتراضی و هماهنگ در شهرهای مختلف اروپا، کانادا و امریکا دست خواهیم زد.

زمان مقاومت همه جانبه در مقابل دسیسه های سرکوب گرانه رژیم اسلامی و افشای سیاست های ضدبشری اش فرارسیده است. به یاری زندانیان سیاسی، به یاری محکومین به اعدام و حبس های طویل المدت، به یاری دانشجویانی که در اعتصاب غذا بسر می برند؛ به یاری کارگرانی که برای خواست های حق طلبانه خود هر روز این جا و آن جادست به حرکت می زنند؛ به یاری مردم مبارز و زحمتکش محلات و شهرک های تهیدست نشین و ملیت های تحت ستم و به یاری همه آزادی خواهان درون کشور برخیزیم!

فراخوان دهنده گان

- ۱- هیئت هماهنگی تریبونال بین المللی برای محاکمه سران جمهوری اسلامی
- ۲- کمیته هماهنگی نیروهای چپ و مترقی (فرانکفورت)
- ۳- شورای ایرانیان دمکرات و مترقی- ماینز
- ۴- انجمن مهاجرین و پناهندگان ایرانی- برتیش کلمبیا (کانادا)
- ۵- کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران- برلین
- ۶- جمعی از زندانیان سیاسی آزاد شده ی ایران
- ۷- کانون پناهندگان سیاسی ایرانی- برلین
- ۸- کانون فرهنگی هنری ایرانیان در برلین (هنر در تبعید)
- ۹- ADB دفتر ضدنژاد پرستی برلین
- ۱۰- کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران- گوتنبرگ (سوئد)
- ۱۱- فرهنگ سرای اندیشه- گوتنبرگ (سوئد)
- ۱۲- آسپیل کمیته- گروه ایران (سوئد)
- ۱۳- انجمن همبستگی ایران و سوئد
- ۱۴- رادیو همبستگی- استکهلم (سوئد)
- ۱۵- بنیاد پژوهش های علمی- استکهلم (سوئد)
- ۱۶- نشریه آوای زن
- ۱۷- نشریه زنان و بنیادگرایی- به زبان سوئدی
- ۱۸- فرهنگ سرای بامداد مالمو- سوئد
- ۱۹- رادیو صدای چپ مالمو- سوئد
- ۲۰- انجمن دارکوب مالمو- سوئد
- ۲۱- کمیته مبارزه با تروریسم جمهوری اسلامی مالمو- سوئد
- ۲۲- رادیو آوا- بخش فارسی رادیو فلورا- هانور (آلمان)
- ۲۳- انجمن دفاع از اندیشه، قلم، بیان و اجتماعات- هانور
- ۲۴- کمیته دفاع از حقوق بشر در ایران- برمن
- ۲۵- انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران- پاریس
- ۲۶- کمپین دفاع از دمکراسی در ایران- لندن
- ۲۷- کانون دمکراتیک ایرانیان- سوئیس
- ۲۸- هیئت هماهنگی اتحاد چپ کارگری ایران
- ۲۹- سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)- تشکیلات خارج از کشور
- ۳۰- شورای کار
- ۳۱- سازمان فدائیان (اقلیت)- آلمان
- ۳۲- هسته اقلیت- آلمان
- ۳۳- حزب کمونیست ایران- تشکیلات خارج از کشور
- ۳۴- سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران- آلمان

کارگران و زحمت کشان

کارگران نساجی قائم شهر بار دیگر دست به راه پیمایی زدند

پیش از یک صد نفر از کارگران کارخانه نساجی طبرستان قائم شهر در روز سه شنبه ۵ بهمن ماه ۷۸-۲۵ ژانویه ۲۰۰۰ در اعتراض به عدم پرداخت کامل حقوق و مزایای معوقه خود، پس از تحصن و تظاهرات در مقابل در ورودی کارخانه و طرح خواست‌های شان به یک راه پیمایی اعتراضی مبادرت ورزیدند. این راه پیمایی اعتراضی چندمین حرکت کارگران این کارخانه در سال جاری است. در توافقات قبلی قرار شده بود که ۸۰ درصد حقوق معوقه توسط سازمان تامین اجتماعی و ۲۰ درصد بقیه توسط بانک ملی که ۶۵ درصد سهام این کارخانه را در اختیار دارد پرداخت شود که تاکنون این توافق نیز عملی نشده است.

تجمع اعتراضی کارگران ریسندگی کاشان

روزیکشنبه سوم

بهمن ماه ۷۸-۲۳ ژانویه ۲۰۰۰ پیش از ۳۰۰ نفر از کارگران کارخانه‌های شماره یک و دو ریسندگی و بافندگی کاشان که بیش از دو ماه است حقوق شان پرداخت نشده است، در مقابل کارخانه اجتماع کردند. این کارگران که بر اساس "طرح تغییر ساختار" از اول آذرماه گذشته برای مدت یک سال کار خود را از دست داده‌اند، تاکنون حقوقی دریافت نکرده‌اند. به موجب طرح تغییر ساختار، کارگرانی که یک سال بی‌کار می‌شوند، زیر پوشش طرح بیمه‌یکباری سازمان تامین اجتماعی قرار می‌گیرند. بیش از ۱۵۰۰ کارگر سه واحد ریسندگی و بافندگی کاشان بر اساس این طرح هم‌اینک بیکار هستند.

کارگران خزر خز خواهان کنترل کارخانه شدند

کارگران کارخانه خزر خز تنکابن که وابسته به بانک صنعت و معدن است، خواهان تحویل گرفتن کارخانه و کنترل آن شدند. کارگران با طرح شعار کنترل کارخانه ناراضیتی خود را از بحران مالی تشدید شونده‌ی آن اعلام کرده‌اند. بحران مالی کارخانه که طی دو سال گذشته مدام تشدید شده است وضعیت شغلی صدها کارگر شاغل آن را به خطر انداخته است.

گردهم آیی اعتراضی کارگران برق تهران

صبح روز سه شنبه ۲۱ دی ماه ۷۸-۱۱ ژانویه ۲۰۰۰، کارگران شرکت برق تهران با تجمع در مقابل وزارت مسکن و شهرسازی، به حل نشدن مشکلات مسکن شان اعتراض کردند. یکی از کارگران معترض که بسیار خشمگین بود به خبرنگار روزنامه «کیهان» گفت: «ما تمام موجودی خود که حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان است را برای خرید و تهیه نقشه و طراحی این زمین پرداخته‌ایم، حال چگونه می‌توانیم بپذیریم که بگویند زمین متعلق به شما نیست». لازم به توضیح است که در سال ۶۹، ۱۵۰۰ نفر از کارگران این شرکت در منطقه جاجرد، زمینی را برای ساختن مسکن خریداری کردند، اما وزارت مسکن با آن مخالفت کرد و در اثر اعتراض کارگران در سال ۷۴ زمینی را در شهرک پردیس به کارگران اختصاص داد. اما در سال ۷۵ آن را پس گرفت و اعلام کرد که کارگران خود می‌توانند در جاجرد اقدام به ساخت خانه کنند. پس از این کارگران با صرف پول بسیار شروع به ساخت واحدهای مسکونی کردند. وزیر مسکن اعلام کرد که ساخت مسکن به دلیل آن که این منطقه به سازمان محیط زیست واگذار شده، ممنوع است. گفتنی است که این دومین بار است که کارگران در مقابل وزارت مسکن و شهرسازی تجمع می‌کنند. دو ماه پیش، پس از ملاقات با وزیرمسکن، وی قول داد که ظرف ۱۵ روز مسئله را حل کند، ولی مسئله هم چنان لاینحل باقی مانده است.

اجتماع اعتراضی کارگران اخراجی شهرداری

ده‌ها تن از کارگران اخراجی و بازخریدی شهرداری تهران در روز یکشنبه ۳ بهمن ۷۸-۲۳ ژانویه ۲۰۰۰ با برپایی یک گردهم آیی به بی‌توجهی وزارت کار و امور اجتماعی و مسئولان شهرداری تهران نسبت به اخراج و بازخرید کردن اجباری کارگران شهرداری اعتراض کردند و از مراجع قضایی خواستند به شکایات آن‌ها رسیدگی کنند. گفتنی است شهرداری تهران از ۷۴ با تاسیس شرکت‌های خصوصی و خصوصی‌سازی بخش‌هایی از فعالیت خدماتی شهرداری، اقدام به بازخرید اجباری ۱۰ هزار کارگر شهرداری کرده است.

اعتراض کانون بازنشسته‌گان انزلی

کانون بازنشسته‌گان بندر انزلی در هفته دوم دی ماه، با انتشار نامه‌ای خواستار سازمان‌دهی وضعیت معیشتی بازنشسته‌گان و رسیدگی به مشکلات شان شدند. بازنشسته‌گان بندر انزلی می‌گویند: «نتیجه یک عمر تلاش بازنشسته‌گان، حاصلی جز وضعیت نابسامان معیشتی و رنج و مشقت به هم‌راه نداشته است. به گفته رئیس این کانون، حداقل حقوق بازنشسته‌گان کشوری ۳۴۶ هزار ریال است و با این مبلغ ناچیز، زندگی بازنشسته‌گان بسیار سخت می‌گذرد. وی افزود: «قرار بود دو گروه به بازنشسته‌گان سال‌های قبل از ۷۴ اضافه شود که احکام مربوط تاکنون صادر نشده است. این در حالی است که ۸۰ درصد بازنشسته‌گان بندرانزلی، پیش از سال ۷۴ بازنشسته شده‌اند و حقوق و مزایای دریافتی آنان زیر ۵۰ هزار ریال است. و به دلیل نرخ بی‌کاری در این شهرستان، امکان جذب این افراد در بازار کار نیز وجود ندارد و شاید حدود ۵ درصد این بازنشسته‌گان توانسته باشند در شغل‌های جانبی و کاذب مشغول به کار شوند. وی اضافه کرد: «سقف وام پرداختی به بازنشسته‌گان بسیار کم است؛ ابتدا قرار بود به هر نفر ۵ میلیون ریال وام پرداخت شود، اما این مبلغ به ۳ میلیون ریال تقلیل یافته است». گفتنی است که از ۴۰۰۰ بازنشسته در بندرانزلی، ۱۴۰۰ نفر عضو این کانون می‌باشند.

اعتراض کارگران شرکت پیام آفرین

کارگران شرکت پیام آفرین- تولید کننده رنگ صنعتی و دریایی- در سیستان و بلوچستان، ۸ ماه اول سال جاری را بدون دریافت حتی یک ریال حقوق و مزایا کار کرده‌اند. به گفته کارگران، کارفرمای این شرکت که در تهران مستقر است، از حضور در شرکت خودداری می‌کند. و هر بار که کارگران حقوق خود را مطالبه می‌کنند، به بهانه‌های مختلف کارگران را سر می‌دواند و از پرداخت حقوق معوقه‌ی آن‌ها طفره می‌رود. کارگران پیام آفرین در اعتراض به این وضعیت، با انتشار نامه‌ای خطاب به مسئولان استان در نیمه‌دی ماه ۷۸، تهدید کرده‌اند که اگر

حقوق معوقه‌ی شان پرداخت نگردد، اموال شرکت را که هم‌اکنون توقیف شده است، حراج خواهند کرد تا از بلاتکلیفی موجود نجات یابند.

اعتراض اهالی کوی حسین آباد

ظهر پنج شنبه ۱۶ دی ماه ۷۸-۱۶ ژانویه ۲۰۰۰، بیش از صد نفر از اهالی کوی زحمت‌کش نشین حسین‌آباد کرج در اعتراض به توقف عملیات ساختمانی یک زیرگذر، دو بار از حرکت قطار متروی کرج به تهران جلوگیری کردند. در پی این حرکت اعتراضی، مأموران انتظامی به هم‌راه چند تن از مسئولان و مدیران شرکت مترو، سعی در برآوردن مردم معترض نمودند، اما موفق نشدند. این زیرگذر، در حد فاصل ایستگاه متروی کرج و محل پارکینگ قطارهای مترو احداث شده ولی به علت وجود لوله‌های گاز و هم‌چنین کم‌بود میل‌گرد، عملیات آخرین مرحله اجرایی آن متوقف گردیده است. تداوم حرکت اعتراضی مردم سبب شد که از سوی فرمان‌دهی نیروی انتظامی ناحیه شهرستان کرج جلسه‌ای اضطراری با حضور مقامات فرمان‌داری کرج و مسئولان شرکت مترو و چند تن از اهالی معترض و نمایندگان و سخن‌گویان مورد اعتماد آن‌ها تشکیل شده و مقامات رژیم متعهد شوند که در فرصت کوتاه و معینی این زیرگذر را تکمیل کنند.

اعتراض کارگران مترو

کارگران شرکت مترو تهران در تماس با روزنامه کاروکارگر- یکشنبه ۱۹ دی ماه ۷۸- به عدم پرداخت حقوق آذرماه خود، اعتراض کردند. آنان گفتند که نمی‌دانند جواب صاحب‌خانه را چگونه بدهند و یا چگونه از خجالت بچه‌هایشان درآیند.

کارگران حق‌السهم خود را طلب می‌کنند

حدود یک صد نفر از کارگران و سهامداران کارخانه الکتریک گیلان در روز سه شنبه ۵ بهمن ماه ۷۸-۲۵ ژانویه ۲۰۰۰ به مدت ۴ ساعت در مقابل درب کارخانه دست به یک تجمع اعتراضی زدند. این سهام‌داران که اکثر آنان را کارگران زن تشکیل می‌دهند خواستار دریافت حق‌السهم خود از این کارخانه می‌باشند. آن‌ها اعلام کرده‌اند که در روز یکشنبه ۱۰ بهمن ماه ۷۸ نیز مجدداً دست به یک گردهم‌آیی اعتراضی دیگر خواهند زد.